

## سخنرانی رفیق علی خاوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران\*

### در کنگره دهم حزب متحد کارگری لهستان

رفقای عزیز! از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران و همه اعضا، و هواداران حزب، طبقه کارگر ایران که در دشوارترین شرایط استهداد مهارزه و بیکار می کنند، به دهمین کنگره حزب متحد کارگری لهستان، همه کمونیست ها و خلق زحمتکش و پرافتخار لهستان صمیمانه و برادرانه تبریک و تهنیت می گوئیم.

رفیق پاروزلسکی - دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در سخنرانی مستدل علمی خود تحلیل روشنی از آن کار عظیمی که طی سال های بین کنگره فوق العاده نهم در سال ۱۹۸۱ تاکنون انجام شده است، عرضه داشت.

در عین حال رفیق پاروزلسکی در گزارش به کنگره جهات عمده برنامه اقدامات آتی حزب را برای رشد اجتماعی - اقتصادی کشور تشریح کرد.

کوشش و تدابیر حزب که بخاطر تحکیم وحدت ملی، دفاع و تثبیت مواضع سوسیالیسم واقعا موجود، احیاء و تکامل اقتصاد کشور، رشد پیش از پیش روابط دوستانه با کشورهای جامعه سوسیالیستی انجام شده است، از اهمیت فوق العاده برخوردار است. همه این تدابیر و اقدامات پاسخ شایسته دولت مردم مستغلی است که به نقشه های تبه کارانه امپریالیسم و خادمان سرمایه غارتگر داده شده است. امپریالیسم و خادمان سرمایه هدف های شومی را

بقیه در ص ۶



شماره ۱۱۱ دوره هشتم  
سال سوم پنجشنبه ۲۶ تیر ۱۳۶۵  
بها ۲۰ ریال

## پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح

پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح

میهن پلا کشیده ما لحظات حساس و سرنوشت سازی را از سر می گذارند. در این لحظات حساس و تاریخی پرسنل آگاه و میهن پرست نیروهای مسلح که از نقش و موقعیتی انکارناپذیر در مهمترین عرصه های حیات سیاسی کشور برخوردارند، وظایف پس خطیری به عهده دارند. در شرایط کنونی از یکسو جنگ امپریالیسم برافروخته که ششمین سال خود را پشت سر می گذارد و میلیونها کشته و معلول و آواره برچای نهاده، همچنان به عنوان یکی از مهمترین اهرمهای مسخ و نابودی دستاوردهای انقلاب در دست امپریالیسم و ارتجاع عمل می کند، و از سوی دیگر سیاست ترور و اختناق حاکم بر جامعه به عنوان مهمترین اهرم سرکوب جنبش انقلابی و ادامه حیات رژیم، مورد استفاده قرار می گیرد. هر دوی این اهرمها یعنی سیاست ادامه جنگ و تشدید اختناق، با تکیه بر نیروهای مسلح و بدست پرسنل نظامی و انتظامی بکار گرفته می شوند. در چنین شرایطی است که نقش پرسنل انقلابی و آگاه در خلع سلاح رژیم قرون وسطایی و یاری دادن به مهارزه توده ما اهمیت بسیار دارد.

اگر مهارزه علیه جنگ و ترور و اختناق در نیروهای مسلح سازمان یابد و پرسنل سریف و زحمتکش ارگانهای نظامی و انتظامی در کنار توده های زحمتکش و نیروهای مترقی و انقلابی به مهارزه با رژیم برخیزند، حاکمیت قادر به ادامه جنگ و سرکوب نخواهد بود و پایه های ست حکومت چهارانه اش بسرعت فرو خواهد ریخت.

بقیه در ص ۳

## پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به کنگره ملی آفریقا

در ص ۳

## "پایان افتخار آمیز" یا تشدید جنگ؟!؟

در حالی که آتش جنگ در جبهه ها همچنان شعله ور است و موشک پرانی و بمب اندازی و گلوله باران مناطق مسکونی و تاسیسات اقتصادی از سوی ایران و عراق ادامه دارد، سردمداران مرتجع رژیم جمهوری اسلامی، افزون بر حملات خونباری همانند "کره لای یک"، "پار دیگر از یک" "عملیات بزرگ"، "نهایی و سرنوشت ساز"، "عملیات والفجر - ۱۰" سخن می گویند.

رسانه های گروهی ج.ا.و برای تهیه گوشت دم توپ پشکل دیوانه وار و بیسابقه ای به تبلیغ و آوازه گری سرگرمند. رژیم برای انجام "عملیات والفجر - ۱۰" اعلام داشته است که قصد دارد همه امکانات مادی و انسانی موجود در کشور را بسیج کند و در خدمت این عملیات قرار دهد. محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران "برای یکسره کردن کار جنگ" از بسیج و اعزام "یک نیروی عظیم چند میلیونی ... در سراسر خطوط جبهه" (ج.ا.و ۱۲، ۶۵) و نظامی کردن اقتصاد کشور حرف می زند.

در شرایطی سردمداران مرتجع رژیم بگونه ای بیسابقه برای تشدید جنگ فرسایشی زمینه چینی می کنند که دیگر خود را قادر به ادامه آن پشکل سابق نمی بینند و اینک حرف "پایان بقیه در ص ۲

## بانایروی اتحاد، به نجات زندانیان سیاسی بشتاییم

امروز در میهن ما که به زندان بزرگی تبدیل شده و در هر گوشه آن جلادان به شکنجه و آزار صدها هزار ایرانی مشغول هستند، زندانی سیاسی مفهومی وسیع دارد. اکنون دیگر زندانی سیاسی تنها به اعضای این حزب و یا آن سازمان انقلابی که در راه دفاع از منافع زحمتکشان در فراموشخانه های رژیم محبوس اند، اطلاق نمی شود. حکام ج.ا.و در این عرصه نیز گوی سبقت بقیه در ص ۷

## کنفرانس ملی حزب توده ایران در برخورد با وضع سیاسی اجتماعی کشور و اتخاذ شعارهای تاکتیکی

با پایان موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران و تصویب اسناد برنامه ای، اینک به بررسی مسائلی نشسته ایم که حل فوری تک - تک آنها به مثابه وظایف مهم پیش روی اعضا حزب قرار گرفته است.

گزارش کمیته مرکزی به کنفرانس ملی، قطعنامه های کنفرانس، برنامه جدید حزب و سند مربوط به خط مشی سیاسی حزب در سال های پس از انقلاب که به تصویب کنفرانس ملی رسیده اند، برخی از آنها منتشر شده و برخی دیگر به تدریج انتشار می یابند، در مجموع خود خطوط اصلی کار و فعالیت حزب و حرکت سریع آن به پیش را ترسیم کرده اند. کنفرانس ملی با برخورد انتقادی نسبت به نارسائی ها و کاستی ها در گذشته کام مهمی در تعیین مشی سیاسی آینده برداشت. در واقع نیز انتقاد از گذشته برای ما توده ایها هدف نیست، بلکه پیوسته وسیله ای برای هموار ساختن راه پیشرفت از طریق برکنار کردن موانع است.

کنفرانس ملی تهور در انتخاب مشی سیاسی را با تهور در عمل و در انتخاب تاکتیک های مناسب در آمیخت و پدینسان در راه به ثمر نشان دادن آرمان های حزب تصمیم های قاطع اتخاذ کرد. ضرورت تحرک و ابتکار در بیکار، هریزه در شرایطی که با دشمن به مراتب نیرومندی روپرو هستیم، به مثابه یکی از عوامل عمده و موثر برای پیروزی در مهارزه ناهاپر، در مرکز توجه کنفرانس ملی قرار داشت.

پایان موفقیت آمیز کار کنفرانس ملی، یعنی آغاز کار سخت و بیکیبر، کار توام با چانه شانی در راه طبقه کارگر و همه زحمتکشان که در سراسر تاریخ پرافتخار حزب، علیرغم فراز و نشیب ما در سرلوحه هدفها و فعالیت های آن قرار داشته و دارد. در اینجا ست که دوستان نیمه راه سیمای

بقیه در ص ۴

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## "پایان افتخار آمیز"، یا تشدید جنگ!؟

افتخار آمیز جنگ" نقل هر مجلس و محفلشان شده است.

مثلا رفسنجانی، در نماز جمعه اعلام می‌کند: "وضع جنگ هم بهایی رسیده که ما باید طبق هر محاسبه‌ای که برای صاحب نظرها قابل توجه باشد باید خودمان را آماده بکنیم برای اینکه این جنگ را هر چه زودتر حتی یک روز اگر زودتر تمام بشود، به نقطه‌ای برسانیم..." (ج. ۱، ۱۷ خرداد ۶۵).

یا خامنه‌ای و دیگر سران مرتجع رژیم "ولایت فقیه" که تا دیروز دریاخ به نیروهای انقلابی در زمینه اینکه امپریالیسم و ارتجاع خواهان ادامه جنگ هستند، می‌گفتند: نه خیر "آمریکا و متحدانش" صلح می‌خواهند و در این رابطه به جنبش صلح خواهان مردم میهن ما مهر "طرفداری از آمریکا" می‌زدند، امروز که رژیم خود را در باتلاق ادامه جنگ در حال غرق شدن می‌بینند، فریاد برمی‌دارند که:

"اگر سیاست آمریکا و آمریکایی مبنی بر طولانی کردن جنگ است، سیاست ما این است که کار جنگ را یکسره کنیم..." (خامنه‌ای - کیهان ۱۱/۴/۶۵).

بدینسان می‌توان گفت در سیاست و موضعگیری های اخیر رژیم نسبت به جنگ آشکارا پدیده و عنصر نوینی دیده می‌شود که خود قابل ارزیابی است. این پدیده و عنصر نوین بطور کلی زائیده اوضاع و احوال پرتپ و تاب حاکم پر جامعه از جمله اوچگیری موج ناخشنودی و مخالفت با سیاست پردازی های رژیم در زمینه های گوناگون از جمله در زمینه ادامه جنگ و وضع فلاکت بار اقتصادی کشور است.

قدری موضوع را بشکافیم، بهینیم برخاسته از چه علل اساسی و درجه شرایطی رژیم سخن از "پایان" دادن به جنگ می‌گوید. یکی از علل اساسی تدارک برای "حمله نهایی" از سوی رژیم را باید در وضعیت اقتصادی کشور جستجو کرد. رژیم با حفظ نظام فاسد و بحران زای سرمایه‌داری و ساختار اقتصادی وابسته و متکی به نفت پیروزه پس از توطئه امپریالیستی کاهش قیمت نفت، با افلاس مالی بیسابقه‌ای روبرو گردیده است. پناهر برآوردهای بعمل آمده، رژیم در سال آینده بیشتر از ۷ تا ۸ میلیارد دلار درآمد ارزی نخواهد داشت. این درآمد ارزی هم به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای ارزی کشور نیست و نمی‌تواند باشد. زیرا تنها برای آنکه چرخ صنایع وابسته و مونتاز کشور به گردش درآید و "در خدمت جنگ" قرارگیرد، به ۷ میلیارد دلار ارز احتیاج است. دست اندرکاران امور خود چشم انداز تیره و تار ارزی را می‌بینند، مثلا از هم اکنون پیش بینی می‌کنند ارزی را که به وزارت صنایع خواهند داد "۳۰ تا ۴۰ درصد میزان سال قبل" است. بهجاست خاطرنشان سازیم که سال قبل نیز کمتر از ۵۰ درصد نیازهای ارزی وزارت صنایع تامین گردید. افزون بر این، دولت رسماً اعلام کرده است که ارز در اختیار بخش مهمی از صنایع کشور قرار نخواهد داد. جلوه

دیگری از ته کشیدن ذخایر ارزی کشور را می‌توان در به تعویق انداختن پرداخت ۲ میلیارد دلاری قراردادهای بازرگانی از سوی رژیم مشاهده کرد.

در سالهای اخیر، در نتیجه بحران ارزی و عدم تامین مواد اولیه، لوازم یدکی و نیمه ساخته مورد نیاز صنایع، کارخانه های پرشماری به کاهش تولید و تعطیل کشانده شده‌اند. بدون تردید در سال جاری این روند شتاب بیشتری بخود خواهد گرفت. از پیامدهای ناگزیر این وضع اقتصادی، افزایش سریع بیکاری، تورم تازنده و گرانی فزاینده است. برپایه ارزیابی‌های بعمل آمده هم اکنون بیش از ۴ میلیون بیکار در سطح کشور وجود دارد. نرخ تورم به ۱۴۰ درصد می‌رسد. در طی پنج سال گذشته، هزینه زندگی بگونه‌ای سرسام آور افزایش یافته است، حال آنکه سطح حقوق و دستمزد کارگران و زحمتکشان کم و بیش ثابت مانده است.

در پستر چنین شرایطی است که عوامل امپریالیسم و پایگاه داخلی آن یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران با بهره برداری از وضع موجود یعنی افلاس مالی رژیم، تعرض تازه و همه جانبه‌ای را برای تسخیر مواضع سیاسی و اقتصادی نوین آغاز کرده‌اند. بی دلیل نیست که درگیریهای بین دو جناح عمده درون حاکمیت بر سر مسائل اقتصادی شکل بیسابقه‌ای تشدید شده است.

طبیعی است که ادامه این روند به فلج شدن کامل رژیم و فروپاشی سریع نظام جمهوری اسلامی منجر خواهد شد. در واقع "حمله نهایی" از جمله نسخه‌هایی است که رهبران مرتجع جمهوری اسلامی برای "پرون رفت" از بحران اقتصادی و ورشکست مالی کشور تجویز کرده‌اند. یکی از علل اساسی دیگری که رژیم را به سخن گفتن و تبلیغ پیرامون "حمله افتخار آمیز نهایی" وادار ساخته است، گسترش روزافزون دامنه ناخشنودی و مخالفت توده‌های مردم با ادامه جنگ است. در اینجا باید یک نکته پراهمیت را نیز خاطرنشان ساخت و آن اینکه نه تنها توده‌های مردم، بلکه گروه‌هایی از محافظ حاکمه نیز با انگیزه‌های سیاسی و طبقاتی گوناگون به مخالفت با ادامه جنگ برخاسته‌اند. بدینسان صفوف مخالفان ادامه جنگ هر چه فشرده تر می‌گردد.

در شرایط کنونی، در آمیختگی جنبش اوچ گیرنده ضد جنگ با جنبش عمومی خلق علیه رژیم "ولایت فقیه"، باعث تشدید تضادهای آشتی ناپذیر خلق با رژیم حاکمه شده است. تشدید تضادهای خلق با رژیم نیز به نوبه خود سبب گردیده است که درگیریها و کشمکش‌های بین جناحهای مختلف درون حاکمیت در زمینه‌های گوناگون سیاست داخلی و خارجی و از جمله و پیروزه بر سر ادامه جنگ و مسائل اقتصادی تا آن حد اوچ بگیرد که روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله خود، تحت عنوان "... ای همراهان قدیم!" از جمله می‌نویسد:

"این حقیقت زچردهنده است که گاهی

برخوردها بگونه ایست که تصور می‌شود کینه‌ای که دوستان سابق و همراهان قدیم و همفکران دیروزی نسبت به یکدیگر احساس می‌کنند، از کینه آنها نسبت به دشمنان اسلام و انقلاب هم بیشتر است" (۲/۴/۶۵).

رفسنجانی، رئیس مجلس نیز می‌گوید: "تب اختلاف الان در کشورمان بالاست. داریم می‌بینید با مسئله کوچکی که می‌شود طرفین هیچان زده می‌شوند و کنترل خودشانرا از دست می‌دهند. پرخاش و اهانت می‌کنند، پرداخت‌ها همیشه پرداخت‌های معارضه است. الان این جو برای ما خیلی ضرر دارد در این شرایط جنگی که داریم..." (ج. ۱، ۲/۴/۶۵).

دقیقاً برای آنکه جلوی این "ضرر" گرفته شود، خمینی یار دیگر با احساس خطر جدی گام به میدان گذارد و سلاح رنگ زده خود را از غلاف بیرون آورد. خمینی یار دیگر با موضعگیری های "عرفانی" خود چنانچه‌ای گوناگون را به "برادری" و "وحدت" بر سر حفظ اسلام و جمهوری اسلامی فراخواند و تاکید کرد که اگر "برادری" بین جناح‌ها حفظ نشود، آنگاه "شکست همراه اوست".

در پی سخنان خمینی، منتظری نیز خطاب به گروهها و جناحهای گوناگون گفت:

"در این شرایط حساس ... به وحدت کلمه و تفاهم و ایثار پیش از گذشته نیاز داریم".

آری، "در این شرایط حساس"، رهبران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی برای "پرون رفت" از بحران ژرف اقتصادی - اجتماعی موجود، یگانه چاره را نه در پایان بخشیدن پلادرنگ جنگ و نشستن بر سر میز مذاکره، بلکه در تشدید دگرپاره آن دیده‌اند. آنها با تشدید جنگ می‌خواهند با موج ناخشنودی و مخالفت توده‌ای ضد جنگ و ضد رژیم به مقابله برخیزند، با تشدید جنگ می‌خواهند همچنان به پایمال سازی حقوق و آزادیهای دمکراتیک ادامه دهند و هر ندای حق طلبانه و هر پاک اعتراض را سرکوب کنند، با تشدید جنگ می‌خواهند بر اختلافات و درگیریهای درون حاکمیت سرپوش بگذارند، و در یک کلام با تشدید جنگ می‌خواهند موجودیت خود را حفظ کنند، زیرا رژیم حیات خویش را با هزار رشته با ادامه جنگ پیوند زده است.

مجموعه واقعبیت‌ها و اوضاع و احوال حاکم بر ایران و جهان موبید آن است که برای رژیم هیچ چشم اندازی بخاطر "پایان بخشیدن افتخار آمیز جنگ" وجود ندارد و نخواهد داشت و هر تلاش و تدارکی برای "پایان بخشیدن افتخار آمیز جنگ" گامی جز در راستای تشدید جنگ و آفریدن فاجعه خونبار نوین نیست و نخواهد بود.

رژیم "سال ۶۵" را "سال تعیین سرنوشت جنگ" اعلام کرده است، نیروهای مترقی و انقلابی و صلحدوست در ایران باید سال ۶۵ را به سال پایان جنگ و پاکرفتن صلح تبدیل کنند. نباید اجازه داد همچنان رودهای خون در مرزهای کشورمان جاری بماند. باید چون جنگ طلبی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را با ضربات کوبنده جنبش صلح فرونشاند.

## پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به کنگره ملی آفریقا

هرسزمان عزیز!

دروهای گرم شرکت کنندگان کنفرانس ملی حزب توده ایران را بپذیرید.

حزب ما که سه سال پیش مورد یورش ددمنشانه و ناچوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت، علیرغم تلفات سنگین سازمانی سرعت ستاد رهبری و ارگانهای اصلی خود را برپا داشت و اینک با تجهیز و بسیج کلیه نیروهای حزبی، همچنان در جهت آرمانهای انقلابی مردم ایران می‌رزد. کنفرانس ملی ما در شرایطی برپا می‌گردد که جنگ امپریالیسم پرافروخته عراق و ایران ششمین سال خود را می‌گذراند و حاصل آن برای دو کشور، صدها هزار کشته و معلول و میلیونها آواره و صدها میلیارد دلار خسارت مالی است. سیاست خائنان سرمداران مرتجع رژیم، خلق های ایران را اسیر ظلم و ستم و محرومیت از کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کرده است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران با اتخاذ تصمیم های تازه در عرصه برنامه و خط مشی سیاسی و تاکید بر همکاری هر چه بیشتر با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، آماده تر از پیش در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی گام برمی‌دارد.

رزمندگان راه آزادی!

حزب ما همچنان پیکیر و مصمم از مبارزه برحق شما علیه رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، علیه استعمار کهنه و نو و پسود استقلال خلق رزمنده نامیبیا پشتیبانی می‌کند. حزب توده ایران در آینده نیز پیوند انقلابی خود را با شما و مردم مبارز آفریقای جنوبی در راه کسب حقوق مدنی و سیاسی و ناهودی کامل سیستم آپارتاید گسترش خواهد داد.

ما با سپاس از همبستگی رزمجویانه شما با مبارزه حزب و خلق مادر راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی، خواستار تحکیم بیشتر این روابط متقابل بر مبنای پیوندهای انترناسیونالیستی هستیم.

- مرگ رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی!

- زنده باد همبستگی نیروهای انقلابی سراسر جهان!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

## کنفرانس ملی حزب توده ایران در برخورد با وضع . . .

چنین است وظایف ما. آری، انجام این وظایف بسیار مشکل است، اما ما توده ایها از پس آنها برخوردار خواهیم آمد. فعالیت انقلابی در قیاس با زمینه گسترده نارضایی عمومی چارچوب بسیار تنگی دارد. بحرانی که رژیم را فرا گرفته، می‌تواند گروه زیادی را وارد عرصه مبارزه سیاسی کند. تردیدی نیست هزاران هزار نفر آماده اند که بقدر توان خویش در پیکار علیه رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی شرکت جویند. آنها اکنون نیز به کار افشاکری شفاهی در اماکن عمومی، اداره های دولتی، محافل اجتماعی، صفها و غیره مشغولند. پیدا کردن این افراد و سازمان دادن آنها، وظیفه ما است.

و ای، لنین برای افشاکریهای سیاسی اهمیت فوق العاده ای قائل بود. وی در اثر مشهور خود "چه باید کرد؟" خاطرنشان ساخت: "همانگونه که افشاکریهای اقتصادی در حکم اعلان جنگ به کارخانه دار است، افشاکریهای سیاسی نیز اعلان جنگ به دولت است. ضمنا هراندازه که فعالیت افشاکرانه گسترده تر و شدیدتر و آن طبقه اجتماعی که اعلان جنگ می‌دهد تا جنگ را آغاز کند، پر شمارتر و قاطع تر باشد، این اعلان جنگ نیز اهمیت معنوی بیشتری کسب می‌کند. بدینجهت افشاکریهای سیاسی پخودی خود یکی از وسائل نیرومند فروپاشاندن رژیم خصم، یکی از وسائل ایجاد خصومت و عدم اعتماد میان شرکت کنندگان دائمی در دستگاه قدرت استبدادی است.

در دوران ما فقط حزبی که افشاکری واقعی برای همه مردم را سازمان می‌دهد، می‌تواند پیشاهنگ نیروهای انقلابی باشد" (لنین، آثار منتخب در ۱۲ جلد، ترجمه فارسی، ص ۱۳۶).

به گفته لنین برای آن که بتوانیم به یک قدرت سیاسی موثر در روند اجتماعی تبدیل شویم، باید با سرسختی تلاش کنیم تا سطح آگاهی و ابتکار و توان کارمان را بالا ببریم.

جمهوری اسلامی به پیش تازیم!

پاینده و پیروز باد پیوند پرسنل انقلابی و میهن پرست نیروهای مسلح با جنبش انقلابی خلق!

کنفرانس ملی حزب توده ایران

زنده باد جبهه متحد خلق!

## پیام کنفرانس ملی حزب توده ایران به پرسنل . . .

ارتشیان، پاسداران و پرسنل انتظامی و آگاه و میهن پرست!

تجربه بزرگ انقلاب بهمین ثابت کرد که نیروهای مسلح در جوامع طبقاتی پدیده ای مافوق طبقات نیستند و نمی‌توانند از انقلاب و تاثیرات شگرف آن مصون بمانند. تجربه انقلاب بهمین و همه انقلابهای جهان نشان می‌دهد که انبوهی از سربازان، درجه داران و افسران در لحظات حساس و بحرانی جامعه که طوفان انقلاب برای درهم پیچیدن طومار ستمکاران اوج می‌گیرد به صف خلق می‌پیوندند. تردیدی نیست که تجربه بزرگ انقلاب بهمین بار دیگر در میهن عزیز ما تکرار خواهد شد. دیری نخواهد گذشت و آن روز فرا خواهد رسید که پرسنل آگاه و زحمتکش نیروهای مسلح در کشاکش درگیری میان خلق و ضد خلق برخاسته از منشاء طبقاتی خود به حمایت از منافع کارگران و دهقانان یعنی پدران و مادران و برادران خود برخیزند. برای چنین روزهای سزوتوست سازی باید از هم اکنون آماده بود.

در شرایط کنونی بحران عمیق و همه جانبه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه را فرا گرفته و نبرد طبقاتی روز بروز حادثتر می‌شود. بازتاب این بحران و نبرد همه جانبه در میان نیروهای مسلح بخوبی قابل مشاهده است. ارتشیان و پاسداران و خانواده های آنان از جمله قربانیان مستقیم جنگ خانانوسوز هستند. نفرت از ادامه جنگ امپریالیسم پرافروخته و اختناق حاکم بر جامعه، در بین این بخش از مردم کشور نیز روبه افزایش است. فرار از جبهه ها گسترش یافته و مقاومت در برابر طرحهای جنگ افروزان رژیم در پادگان ها و اردوگاههای نظامی شدت گرفته است. جوی اعتمادی و تنفر بین بدنه نیروهای مسلح و فرماندهان مدافع ارتجاع و رژیم جنگ طلب سرعت گسترش می‌یابد. سیستم کنترل و اختناق دوایر سیاسی - ایدئولوژیک و ضد اطلاعات در واحدها و پادگانها با بن بست مواجه شده است. تبعیض و ستم سازمانی و پایمال شدن حقوق پرسنل چزه که همه ریشه در نظام ضد دمکراتیک و ضد مردمی حاکم بر نیروهای مسلح دارد، مبارزه صنفی و سیاسی پرسنل را به هم گره زده است.

در این شرایط بحرانی، کار انقلابی در بین نیروهای مسلح از زمینه و اهمیت بی‌مانند برخوردار است. پرسنل انقلابی و میهن پرست باید ضرورتهای این کار خلاق و تاخیر ناپذیر را دریابند و نقش خطیر خویش را در جنبش انقلابی میهنمان ایفا کنند.

پرسنل آگاه و زحمتکش نظامی و انتظامی!

با تشکیل هسته های انقلابی از دوستان و همکاران مورد اعتماد و همفکر خود، مبارزه در راه سرنگونی رژیم قرون وسطایی حاکم را سازمان دهید. این هسته ها باید خود را برای انجام حساس ترین وظایف انقلابی در شرایط مساعد آماده سازند. پیوند خود را با توده ایها و دیگر نیروهای انقلابی گسترش دهید. علیه جنگ در جبهه و پشت جبهه تبلیغ کنید و از فراریان از جبهه حمایت کنید. به جنبش توده ای ضد جنگ از هر طریق ممکن یاری رسانید. فساد و دزدی فرماندهان و وابستگی تسلیحاتی رژیم را هر چه وسیع تر افشا کنید. علیه سیاست ترور و اختناق رژیم مبارزه کنید. اخبار زندانها و شکنجه گاهها را برای مردم افشاء و با زندانیان سیاسی و خانواده های آنان پیوند فعال برقرار کنید.

پرسنل شریف و میهن پرست نیروهای مسلح!

مبارزه آگاهانه و دفاع از حقوق زحمتکشان در نیروهای مسلح، از سنت های دیرینه انقلابی و دمکراتیک در میهن ما برخوردار است. سرداران قهرمانی چون روزبه ها، سیامک ها، وکیلی ها، محقق زاده ها، ودها افسر و درجه دار شهید دیگر پرچمداران این رزم پرشور و پایه گذاران این سنت های دیرینه بوده اند. این پرچم همچنان در دستان نیرومند فرزندان خلق در نیروهای مسلح باقی مانده و خواهد ماند. هم اینک نیز رژیم ددمنش جمهوری اسلامی با ریختن خون فرزندان شایسته ای چون ناخدا افضلی، سرهنگ کبیری، سرهنگ عطاریان، سرهنگ اذفر، پاسدار عظیم محقق و با به بند کشیدن دهها افسر و درجه دار و پاسدار انقلابی و میهن پرست دیگر و نیز اخراج و تصفیه صدها پرسنل آگاه و مبارز، می‌کوشد تا این شعله همیشه فروزان پیکار و مقاومت در نیروهای مسلح را خاموش سازد. اما تردیدی نیست که این بار نیز خیال خام تاریک اندیشان نقش بر آب خواهد شد و پرسنل آگاه و زحمتکش نیروهای مسلح بار دیگر دیوارهای فاصله بین خود و خلق را فرو خواهند ریخت. متحد و متشکل در راه سرنگونی رژیم ضد مردمی

## کنفرانس ملی حزب توده ایران در برخورد با وضع .....

واقعی خود را نشان خواهند داد. اما از هم اکنون می‌توان گفت که توده‌ایهای وفادار و مومن، یعنی اکثریت قاطع اعضای حزب مانند همیشه مسئولیت تاریخی خود را احساس می‌کنند و وظایف خود را با شهامت انجام خواهند داد. در این باره جای کوچکترین تردیدی نیست.

## وضع اجتماعی سیاسی - کشور از دیدگاه کنفرانس

یکی از دستاوردهای کنفرانس ملی تشریح دقیق و علمی وضع سیاسی و اجتماعی کشور و نتیجه گیری از آن بود. کنفرانس ملی به این نتیجه رسید که کشور ما دچار بحران عمیق ساختاری است و هفت سال پس از انقلاب بهمن ۵۷ هنوز رژیم "ولایت فقیه" به ثبات سیاسی دست نیافته است. ادامه جنگ مخرب که ذخایر مادی و نیروی انسانی کشور را به مقیاس گسترده از بین می‌برد از یکسو و کاهش سریع بهای نفت، یعنی ورشکست مالی رژیم از سوی دیگر، همراه با سیاست عمیقاً ارتجاعی و ضد خلقی رژیم که زائیده سازش میان جناح محافظه کار خرده بورژوازی با بورژوازی تجاری است، بحران را هر چه بیشتر دامن می‌زند. مکانیسم سرمایه داری وابسته که اینک زیر پوشش اسلام عمل می‌کند علت اساسی گرانی سرسام آور، بیکاری آشکار و پنهان، گسترش بیسابقه فقر و مسکنت و بی‌خانمانی و بیماری و ارتشاه و فساد و فحشا در جامعه است. تشدید بحران اقتصادی نمی‌توانست به تشدید بحران سیاسی منجر نگردد. بازتاب بحران اخیر را در نارضایتی فراگیر و رویکردانی روبه افزایش توده‌های میلیونی از رژیم و بالا گرفتن اختلاف در جناح پندیهای حاکمیت، آن هم در دوران حیات و سیطره پلامناز خمینی، آشکارا می‌توان مشاهده کرد.

رژیم ج.ا. به چنان بن بست رسیده که بدون دست یازی به ترور و اختناق، قادر به ادامه حکمرانی نیست. اما رژیم تاکی و تا کجا قادر به ادامه چنین روندی خواهد بود؟ کنفرانس ملی بدرستی به این نتیجه رسید که امکان های رژیم برای مانورهای سیاسی، اصلاحات و نیز اعمال شیوه های خشن تر سرکوب روزه روز محدودتر می‌شود. برخاسته از این تحلیل و با در نظر گرفتن تضادهایی که ج.ا. را از درون مانند خوره می‌خورد، کنفرانس ملی حزب توده ایران سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی را در شرایط کنونی به مثابه وظیفه مهم حزب تعیین کرد و پدینسان به خط مشی سیاسی اتخاذ شده در "بیانیه مشترک" صحنه گذارد. ناگفته پیداست که طرح شعار سرنگونی، هنوز به معنی تحقق سریع آن نبوده و نیست. اگر مسائلی چون بحران اجتماعی - اقتصادی و تشدید نارضایتی مردم به مثابه عوامل موثر در براندازی رژیم پشمار می‌روند، تفرقه نیروهای مترقی و انقلابی و در وهله نخست تفرقه بیسابقه میان نیروهای چپ، در جهت عکس آن عمل می‌کند. به همین سبب، کنفرانس ملی برای اتحاد نیروهای چپ و ضرورت تشکیل جبهه متحد خلق، مرکب از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، اهمیت فوق العاده ای قائل شد. ضعف عامل ذهنی موجب آن گردیده که جنبش از نظر اشکال مبارزه در وضع نامطلوبی قرار گیرد و از نظر برنامه مشترک در سطح اسفناکی باشد. سران ج.ا. از این امر آگاهند و دریافته‌اند که ادامه حیاتشان به ضعف عامل ذهنی جنبش بستگی دارد. از اینرو با تمام توان برای ایجاد تفرقه بیشتر در بین نیروهای مترقی و انقلابی و در درجه اول میان نیروهای چپ، سرمایه گذاری می‌کنند.

در شرایط کنونی که توده‌های سرخورده از رژیم در جستجوی راه پرو رفت از وضع ناهنجار کنونی هستند، ادامه تفرقه در میان نیروهای مترقی و انقلابی لطمه چهران ناپذیری به جنبش وارد می‌کند و چه بسا زمینه را برای نیروهای راست ارتجاعی آماده تر سازد. با توجه به این امر خطیر، در گزارش کمیته مرکزی به کنفرانس ملی گفته می‌شود: "مسئله اتحاد نیروهای چپ، مترقی و انقلابی در جبهه واحد و با برنامه مشترک همیشه در سرلوحه مبارزه حزب توده ایران قرار داشته است. امروز پس از گذشت هفت سال از انقلاب بهمن ۵۷ این وظیفه حادثر از همیشه در برابر جنبش انقلابی قرار دارد."

وجود جبهه واحد و برنامه مشترک برای سازماندهی توده‌ها و جهت مشخص دادن به مبارزه آنها اهمیت حیاتی دارد. به ویژه در شرایط کنونی حاکم پر جامعه این مسئله در دستور روز قرار دارد.

طبقه کارگر یعنی پیگیرترین نیرویی که در راه این دگرگونی‌های بنیادی مبارزه می‌کند، تحت فشار بیسابقه اقتصادی و ترور و اختناق، قرار دارد. تورم فزاینده، بیکاری، پایین بودن سطح دستمزدها، فقدان امنیت کار و تهدید به اخراج از کارگاه و غیره، از جمله مشکلات دامنگیر طبقه کارگر است. کارگران در چریان مبارزه صنفی - سیاسی خود با سرنیزه ارکانهای سرکوبگر مستقر در کارگاهها روبرو می‌شوند.

اعتصاب های سالهای ۶۲ و ۶۳ و برخی اعتصابهای خودیو و پراکنده سال ۶۴، از آنجا که فاقد سازماندهی و برنامه ریزی و رهبری واحد بود، نتوانست به موج پر قدرتی علیه رژیم تبدیل گردد. این نقصی است که فقط و فقط در نتیجه وحدت عمل نیروهای چپ می‌تواند مرتفع شود.

وضع روستائیان نیز روز به روز بدتر می‌شود. عدم حل مسئله اصلاحات ارضی توأم با سیاست تولید کشاورزی ضد ملی رژیم، موجب ورشکستگی روستائیان کم زمین و مهاجرت جمعی اکثریت آنها به شهرهای بزرگ گردیده است. نقش نیروهای چپ در سازماندهی مبارزه پراکنده روستائیان نیز تاثیر مهم دارد.

وضع کارمندان و روشنفکران خلقی به شدت روبه وخامت می‌رود. خرده بورژوازی سنتی که توانست در سالهای نخست پس از انقلاب از برکناری گروه های صنعتی - مالی از عرصه اقتصادی کشور بهره گیرد، اینک با خطر ورشکستگی ناشی از بحران اقتصادی و مالی رژیم روبرو است. این گروه اجتماعی که زمانی از حامیان پر و پا قرص رژیم بود، به تدریج راه مخالفت با آن را در پیش می‌گیرد.

در این میان بورژوازی تجاری - میلیاردرهای نورس و بورژوازی بوروکراتیک (معموم و مکلا) توانسته اند بخش قابل توجهی از درآمد نفت را به طرق گوناگون - احتکار و گرانیفروشی و دزدی بیت المال و رشوه خواری - بخود اختصاص دهند.

با در نظر گرفتن آنچه که گفته شد می‌توان به نتایج زیرین رسید:

۱ - اکثر توده های مردم از رژیم ناراضی هستند و سرنگونی آن را خواستارند، ولی دربارۀ اینکه چگونه رژیمی باید جایگزین آن گردد، تصور روشنی ندارند.

این اکثریت نیز به دو گروه متمایز از هم تقسیم می‌شوند: یک گروه، طرفداران نیروهای راست و گروه دیگر هواداران دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه. هر دو گروه، بطور عمده، هنوز هوادار مشخص این یا آن حزب و سازمان نیستند. وضع انفعالی، یکی از ویژگی های مشترک این دو گروه بشمار می‌رود.

۲ - واقعیت جامعه ما نشانگر آن است که سران رژیم توانسته اند با سوء استفاده از باورهای مذهبی توده‌ها و نیز بهره برداری از حربه تطمیع، بخشی از اهالی کشور را به سوی خود جلب کنند. این بخش شامل مذهبیین قشری، بخش چشمگیری از خانواده های شهدای جنگ (که ادامه حیاتشان بستگی به نهادهای خیریه دارد)، عناصر فرصت طلب، کلان سرمایه داران بازاری، بورژوازی بوروکراتیک و گروه های بی طبقه - اراذل و اوپاش که به "حزب الهی" مشهورند و گروه ضربتی رژیم را در تظاهرات فرمایشی تشکیل می‌دهند - می‌شوند. افزون بر این رژیم در سیمای سپاه پاسداران، کمیته‌ها و بسیج، بازوی مسلح نسبتاً نیرومندی نیز دارد.

این تصویر کلی، بفرنجی وضع حاکم در جامعه را نشان می‌دهد و وظیفه سنگینی را که در برابر نیروهای انقلابی و مترقی قرار دارد تا اندازه ای برچسته می‌کند. چنانکه ملاحظه می‌شود، نیروهای براندازی گرچه پرتوان هستند، ولی متشکل و هدفمند نیستند. در مقابل، عوامل حفظ موجودیت رژیم تا درجه معینی متشکل هستند. کار نیروهای براندازی وقتی می‌تواند ثمر بخش گردد که اولاً سازمان یافته، و ثانیاً هدفمند باشد. این نیروها دقیقاً باید بدانند که در راه چه هدف هایی مبارزه می‌کنند و قربانی می‌دهند.

## شعارهای تاکتیکی و نقش آنها در بسیج توده‌ها

در حال حاضر، تعیین و تبلیغ شعارهای تاکتیکی برای تجهیز توده‌ها به

سیاسی و سازماندهی مبدل گردند. باید به توده های وسیع زحمتکشان ایمان داشت و مشی سیاسی و برنامه حزب را با کلیه ابعاد آن با آنها در میان گذارد. قاضی نهایی، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان هستند. آنها هستند که باید حق را از باطل تمیز دهند.

در این زمینه ما باید از پخش تراکت و شبنامه در کارخانه ها و محله های کارگری استفاده وسیع کنیم. در تراکتها و شبنامه ها نه تنها باید برنامه حزب تبلیغ شود، بلکه بایستی به افشاء سیاست ضد خلقی رژیم و نیز دفاع از خواسته های مشخص کارگران در هر کارگاه نیز پرداخت. این کار روزانه و عادی همه هسته ها و کلیه اعضا حزب و کارگران آگاه است و نیازی به اخذ دستور و گرفتن رهنمود مشخصی از "بالا" ندارد.

برای بسیج کارگران و زحمتکشان به مقیاس گسترده باید ماهیت رژیم را همه جانبه افشاء کرد. اینگونه افشاکاری نیاز به گردآوری انواع مدارک و اسنادی دارد که پخش نمی شوند، ولی در دسترس افراد در این یا آن اداره و موسسه صنعتی و غیره هستند. بنابراین ما نیاز به شبکه وسیع خبرنگاران و گزارشگرانی داریم که بتوانند با همه جا ارتباط برقرار سازند، از اسرار رژیم با خبر شوند و بقول لنین بتوانند به تمام "سوراخ سنبه ها" راه یابند. در همه جا حاضر و از همه چیز باخبر باشند. هم اکنون خبرنگاران "نامه مردم" در این کار ما را یاری می کنند و نقش مهمی در افشاء رژیم به عهده دارند. اما، این هنوز کافی نیست. حزب ما به مثابه حزب طبقه کارگر علیه هرگونه ستم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مبارزه می کند، باید از همه چیز آگاه باشد.

نهایت از نظر دوداشت که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان تجربه عظیم انقلاب بهمین ۵۷ را پشت سردارند. این دستاورد بزرگی است. اگر ما بتوانیم چنانکه در تصمیمات کنفرانس ملی در نظر گرفته شده، انرژی کادرها و اعضا حزب را صرف کار مستقیم با کارگران، دهقانان تهیدست و دیگر لایه های زحمتکش شهر و روستا و نیز روشنفکران و کارمندان و دانشجویان و زنان کنیم، بدون تردید موفق خواهیم شد. توده ها باید با تجربه شخصی، درستی مشی سیاسی ما را دریابند. برای این کار نیز فقط و فقط یک راه وجود دارد: سازماندهی و تبلیغ و ترویج.

طبقه کارگر به مثابه پیگیرترین مبارز راه رهایی ملی باید تمام جوانب زندگی سیاسی جامعه و تمام مواردی را که طبقات و قشرهای گوناگون جامعه با انگیزه های مختلف به اعتراض و مبارزه برمی خیزند، بطور منظم و مداوم ارزیابی کند. دستیابی به این امر با تبلیغات وسیع امکان پذیر است.

دهقانان کم زمین و بی زمین باید به این حقیقت پی ببرند و بدانند که بدون اتحاد با کارگران قادر نخواهند بود به هدفهای خود دیر ابراهامات ارضی رادیکال و نجات از فقر و مسکنت، پیسودی و بی خانمانی دست یابند.

روشنفکران و کارمندان و دانشجویان میهن دوست و خلقی باید عمیقاً به این واقعیت پی ببرند که فقط در پشتیبانی پیگیر از خواسته های کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهر و روستا و در اتحاد مستقیم با آنها خواهند توانست میهن خود را از وابستگی و فقر و جهل نجات دهند.

کسبه و پیشه وران و افزارمندان باید بدانند که طبقه کارگر یارو مددکار آنهاست و به هیچ وجه درصدد "سلب مالکیت" از آنها نبوده و نیست. آنها باید درک کنند که همراه با کارگران و دهقانان در حاکمیت مردمی شرکت جویند و سرنوشت خویش را تعیین سازند.

عمال امپریالیسم و اپوزیسیون ارتجاعی می خواهند چنین توهمی ایجاد کنند که گویا در آخرین تحلیل، این امپریالیسم پسرکردگی امپریالیسم آمریکاست که سرنوشت ایران را تعیین خواهد کرد. باید به همه مبارزان راه آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی، صرف نظر از وابستگی به این یا آن گروه اجتماعی، تفهیم کرد که سرنوشت ایران فقط بدست ایرانی و در داخل ایران حل خواهد شد. امپریالیسم آمریکا، چنانکه انقلاب بهمین ۵۷ و نیز رویدادهای دیگر کشورهای جهان نشان داده و می دهد، قادر به ایستادگی در مقابل اراده مردم پیاخته نیست. درست برعکس، هم تناسب نیروها و هم سیر حوادث در عرصه بین المللی به نفع نیروهای خلقی در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع است.

قصد سرنگون کردن رژیم، اهمیت زیادی دارد. شعارهای تاکتیکی وقتی می تواند بسیج گر باشد که با منافع و خواست های اکثریت خلق یعنی کارگران و زحمتکشان همسان و همگون گردد. آزادی، صلح، کار و مسکن از جمله خواست های عمده زحمتکشان در مبارزه علیه رژیم است.

آزادی یکی از آماج های اصلی نهضت انقلابی توده های میلیونی علیه رژیم خودکامه پهلوی بود. روحانیون شیعه که در جریان نهضت انقلابی در این زمینه با مردم همصدا بودند، پس از دستیابی به رهبری انحصاری رژیم استبدادی مذهبی قرون وسطایی را بر کشور حکمفرما ساختند. در این چارچوب، ارگانهای سرکوبگر و جاسوسی رژیم، مردم میهن ما را از ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی محروم کرده اند. اینک مبارزه در راه آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اتحادیه ها، اجتماعات، مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی و پیکار در راه برچیدن ارگانهای سرکوبگر و جاسوسی رژیم، در صورت سازماندهی و رهبری صحیح می تواند نقش مهمی در بسیج توده ها ایفا کند. همچنین است مبارزه در راه پایان دادن به چنگ خانمان براندازی که میلیونها خانوار ایرانی را داغدار کرده و یکی از عوامل عمده فلاکت و بدبختی در جامعه ماست. پیکاری دمار از روزگار میلیونها انسان پدر آورده و گسترش هرچه بیشتر فقر را موجب گردیده است. مسکن به یکی از معضلات اساسی اکثریت مردم ما مبدل شده است. می توان و باید میلیونها توده ناراضی را حول و حوش شعارهایی برای حل این مسائل حاد و پیکار علیه رژیم سازمان داد. باید توده های زحمتکش دقیقاً بدانند که فقط یک حکومت واقعا مردمی و برخاسته از مردم می تواند خواسته های آنها را تحقق بخشد و میلیونها انسان را از فقر و محرومیت و سرگردانی و فلاکت و بدبختی نجات دهد. باید کارگران و دهقانان تهیدست و دیگر زحمتکشان شهر و روستا بدانند که بدون شرکت مستقیم خود آنها در مبارزه برای تعیین سیاست اداره امور کشور، هیچ دردی علاج نخواهد شد. گذشته و حال گویای این واقعیت است.

در برنامه جدید حزب توده ایران بر ضرورت استقرار حکومت انقلابی و دموکراتیک با شرکت زحمتکشان تاکید شده است. باید مضمون برنامه راه میان توده ها برد. هم کارگران و دهقانان تهیدست و هم روشنفکران و کارمندان و هم پیشه وران و افزارمندان و کسبه، باید دقیقاً با برنامه حزب آشنا گردند. زیرا در برنامه حزب ما منافع آنها در نظر گرفته شده است.

وقت آن فرارسیده تا با درک شرایط و احساس مسئولیت هرچه بیشتر بطور فعال در راه اجرای سیاست و برنامه حزب بکوشیم. چنین مسئولیت بزرگی، از فرد - فرد اعضا حزب در هر کجا که هستند طلب می کند تا با تمام توان در پیکار شرکت کنند و از شیوه های انفعالی پرهیز جویند. باید در پی یافتن اشکال مبارزه و پیکارگیری روشهایی بود که بتوانند جنبش را سرعت به پیش هدایت کند. به همین سبب برنامه ما نه تنها بر اساس امکانات، بلکه برشالوده نیازها مطرح ریزی شده است.

کنفرانس ملی حزب توده ایران، در درجه نخست بر کار سازمانی در کارخانه های بزرگ و محلات کارگری تاکید کرد. این سیاستی است صحیح و باید در مرکز توجه اعضا، هسته های حزبی و نیز کارگران انقلابی و پیشرو قرار گیرد. این وظیفه شامل آن عده کثیری از اعضا و هواداران حزب که هنوز در هسته های حزبی متشکل نیستند نیز می شود. این رفقا نباید دست روی دست گذارده و در انتظار دستور از بالا باشند. باید با تمام توان در عرصه پیکار وارد شوند. نباید در انتظار "ظهور" جو انقلابی نشست. جو انقلابی را باید ایجاد کرد، پویزه اینکه شرایط عینی آن در جامعه وجود دارد.

کنفرانس ملی توصیه می کند که هم کار سازمانی و هم تعیین شعارهای تاکتیکی باید برپایه خواست توده ها و نفوذ در میان آنها، استوار باشد. زیرا فقط در چنین صورتی، خط مشی سیاسی حزب و شعارهای آن می تواند با استقبال و حمایت توده های زحمتکش، روبرو شود. ما توانایی این کار را داریم. زیرا کارگرانی که خود انگیزخته پیمای خیزند، می توانند سازمان پذیر باشند و بطور متشکل به مبارزه علیه رژیم برخیزند. ما باید به سازمانهای مخفی کارگری و کارگرانی که در این راه گام برمی دارند از نزدیک کمک کنیم. ما باید بکوشیم تا اینگونه سازمانها نه تنها در راه گسترش مبارزه صنفی گام بردارند، بلکه به وسیله موثر تبلیغات



## سخنرانی رفیق علی خاوری ...

در نقشه های تبهکارانه خود دهنبال می کردند که برهم زدن پیوند استوار حزب و خلق، پزیر علامت سؤال کشاندن ماهیت انسان دوستانه و مترقی سوسیالیسم در لهستان، جداسازی لهستان سوسیالیستی از دوستان واقعی و ضربه زدن برجا و مقام لهستان سوسیالیستی در امر بزرگ حفظ صلح در اروپا و جهان، بخشی از آن هدف ها را تشکیل می دهد.

کمونیست های ایران و همه نیروهای مترقی و صلحدوست کشور ما نسبت به لهستان سوسیالیستی احساسات عمیق دوستانه ای داشته اند و دارند.

رفقای گرامی!

کنگره دهم شما مانند سایر کنگره های احزاب برادر که اخیرا برگزار گردیدند، کنگره صلح و ترقی است. آن اهمیت درجه اولی که شما به امر صلح می دهید و آن جای مهمی را که شما در برنامه هایتان به کار تحکیم صلح در اروپا و در جهان اختصاص می دهید احترام و قدر بزرگی نزد انسان های خیرخواه و آزاده جهان برای شما به ارمغان آورده است.

هنگامیکه محافل تجاوزکار و جنگ طلب امپریالیسم و در درجه اول امپریالیست های امریکائی سیاست خطرناک و عاری از هر نوع مسئولیت رویارویی را دهنبال می کنند؛ برای دست یابی به برتری نظامی بر کشورهای بیمان ورشو - چیزی که قابل دسترسی نیست - تلاش می ورزند، با نقشه های جنون آمیز توسعه طلبی و زیاده خواهی امپریالیستی و ادعاهای بی پایه جهان را به مرز فاجعه هسته ای می کشانند، خلق های جهان با سیاستی دیگر، سیاست عمیق انسانی و عاقلانه و متکی بر احساس مسئولیت کامل در قبال حفظ زندگی انسانی نیز آشنا هستند. این سیاست صلح و دوستی بین خلق هاست که توسط اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی از طریق پیشنهادات و اقدامات مشخص تقویت می شود. تاکنون از طرف پیمان ورشو بیش از ۱۰۰ پیشنهاد بمنظور تحکیم امر صلح و مذاکرات سازنده بخاطر نجات بشریت از کابوس هسته ای مطرح گردیده است.

پیشنهادات صلح اتحاد شوروی از جمله طرح مشخصی که میخائیل سرگیویچ کارهاچف در ۱۵ ژانویه سال جاری اعلام کرد و نیز تداپیری که برای تحکیم صلح اروپا و جهان در یازدهمین کنگره حزب واحد سوسیالیستی آلمان در برلن مطرح ساخت راه ورود به عصر صلح - دوران عاری از سلاح های هسته ای را به جهان بیان نمود می دهد. علاوه بر این، اتحاد شوروی با هدف پایان دادن هرچه سریع تر به مسابقه تسلیحاتی، از ۶ اوت سال گذشته دست به اقدام بسیار مهمی زد و یک چانه آزمایش های هسته ای را قطع کرد. در سال جاری نیز این تصمیم بقوت خود باقی است. جهان با رضایت خاطر عمیقی از این ضرورتین و مقدم ترین تصمیم و اقدام در امر خلع سلاح های هسته ای استقبال کرد. ولی حکمرانان ایالات

متحده آمریکا در پاسخ به این اقدام بزرگ به آزمایش های هسته ای و مسابقه هسته ای پویژه در جهت کشاندن سلاح های هسته ای به فضای کیهانی ادامه می دهند.

ما اطمینان داریم که سیاست لنینی صلح و ترقی کشورهای سوسیالیستی، نیروی عظیم اقتصادی، نظامی، روحی و اخلاقی این کشورها، همراه با اراده و نیروی روزافزون و روبه گسترش خلق های سراسر کیتی برای حفظ صلح جهانی، یگانه، تضمین بی بدیلی است که می تواند و باید مانع پایان زندگی و مرگ هسته ای بشریت گردد.

رفقای ارجمند!

بیش از ۷ سال از آن روزهایی که خلق های ایران با همدلی و وحدت انقلابی رژیم منفور شاه - رژیم ترور و اختناق و ژاندارم امپریالیسم - سرنگون کردند و در کشور ما انقلاب ضد امپریالیستی، ضد دیکتاتوری و ضد سلطنتی پیروز شد، می گذرد.

روحانیت که اهرم های قدرت حکومت را بدست گرفت، به کمتر از اداره انحصاری آن رضایت نداد و بتدریج دیگر نیروهای دمکراتیک و مترقی را از صحنه سیاست قانونی و علنی کشور خارج ساخت. روحانیون حاکم با خیانت به آماج های انقلاب به دفاع از منافع طبقاتی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان پرداختند. و این امر اساسا با هدف های انقلاب در تضاد و تعارض است. بیش از ۴ سال است که رژیم ترور و اختناق و تزییقات شدید سیاسی - ایدئولوژیک بر کشور ما حکمفرمائی می کند.

استبداد مذهبی قرون وسطائی شدت و حدت خاصی به عدم تحمل دگراندیشان داده است.

سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی با خیانت به آرمان های انقلاب کشور را با بحرانی روبه گسترش مواجه ساخته اند. بحران همه جانبه، زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ما را فراگرفته است.

ورشکستگی اقتصاد کشاورزی، پائین ترین سطح تولیدات صنعتی درده ساله اخیر، سه میلیون نفر بیکار و تورم افسار گسیخته شرایط غیر قابل تحملی را برای زحمتکشان میهن ما ایجاد کرده است.

در عین حال ثروت های بادآورده مشتکی غارتگر کار و زحمت مردم، رشدی افسانه ای دارد. ۸ میلیون نفر مردم کشور باید با درآمدی در حدود ۲۵۰ - ۲۰۰ تومان در ماه بسر برند، درحالیکه ۴٪ جمعیت کشور از درآمد ماهیانه بالغ بر ۲۰۰ هزار تومان برخوردار باشند.

سرنوشت پویژه تلخ و ناگواری نصیب زنان کشور ما شده است. اکثریت آنان تحت ستم قرار دارند. ستمی که پویژه به شکل تزییقات مذهبی و روابط کهنه و توهین آمیز بر زنان تحمیل شده است.

به خلق ستمدیده کرد در کردستان ایران جنگی غیرعادلانه و خونین تحمیل شده است. بیش از ۶ سال است که این جنگ ادامه دارد. این پاسخی است که از طرف حکام مرتجع جمهوری اسلامی به

آرزوی دیرین خلق کرد که رسیدن به حق تعیین سرنوشت خودمختاری است، داده شده است.

نزدیک به شش سال از جنگ ایران و عراق می گذرد. این جنگ تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار کشته و دو برابر این رقم زخمی و درد و رنج های فراوان روحی و قریب به ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت مادی بیار آورده است. بیش از ۴۰٪ از بودجه کشور صرف هزینه های این جنگ عجیب و احمقانه می شود. این جنگ از آغاز تاکنون بیش از همه به نفع امپریالیست ها تمام شده است. در عین حال جنگ موجب ثروتمند شدن بورژوازی ایران گردیده است. بورژوازی تجاری با غارت سهم بزرگی از درآمد کشور نقش مهم و مهمتری در اداره امور کشور و نتیجتا در متوقف ساختن انقلاب بازی کرده است.

اندیشه صدور انقلاب اسلامی که پایه سیاست خارجی مذهبی شوینستی جمهوری اسلامی را تشکیل می دهد در ادامه جنگ - این فاجعه ناپخرده - سهم پسزائی داشته و دارد.

حزب ما خواستار قطع فوری عملیات نظامی در چپه ها و حل همه مسائل مورد اختلاف از طریق مذاکره است.

و اما آنچه که مربوط به آزادی های دمکراتیک است، باید گفت که فعالیت همه افراد و گروه های دگراندیش در کشور ما ممنوع است. طی سال های اخیر ده ها هزار نفر اعدام و یا تحت شکنجه قرار گرفته اند. ده ها هزار نفر بدون هیچگونه حق دفاع زندانی شده اند و سال هاست که بدون دادرسی و حمایت قانونی در زندان پسر می برند.

سه سال از آن هنگام که رژیم جمهوری اسلامی یورش های وحشیانه خود را بشکل وسیع علیه حزب توده ایران آغاز کرد، می گذرد. تعداد کثیری از کادرهای مسئول و قریب ۱۰ هزار نفر از اعضا حزب ما به زندان ها افکنده شدند. ده ها نفر از رفقای ما اعدام و یا در زیر شکنجه کشته شدند. از جمله در نفر از اعضا هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب مادر زیر شکنجه کشته شدند. دیگر نیروهای دمکراتیک و مترقی کشور نیز از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران دچار تزییقات، زندان و شکنجه شده اند.

اتهامات رژیم نسبت به حزب ما دروغین و ساختگی است. اگر "گناهان" واقعی حزب توده ایران را از نظر رژیم جمهوری اسلامی بر شماریم باید گفت: حزب توده ایران با شجاعت و استواری مبارزه علیه امپریالیسم را ادامه می داد، از انقلاب و امر توده های زحمتکش حمایت جدی می کرد، با ادامه جنگ ایران و عراق مخالفت می کرد، مخالفت مداخله در امور افغانستان انقلابی، کامپوچیا، آنکولا، نیکاراگوئه بود، از مبارزه مردم فلسطین، السالوادور، مردم افریقای جنوبی، آزادیخواهان شیلی حمایت می کردی با جدیت علیه سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم مبارزه می کرد، پرچم مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم بقیه در ص ۷

## به مامی نویسند

اخراج کارمندان، امری عادی

در ادارات و موسسات، برای عناصر باقیمانده درست حسابی و حرف زن، مرتب خط و نشان می کشند. استحقاقی ها را نمی دهند. امتیازها را نمی دهند. امتیازها را حذف می کنند. مزاحمت های کاری و اخراج چیز مسایل عادی و روز مره است. حتی به بهانه تظاهر به روزه خواری پرونده سازی می کنند و با گماردن آدمهای بی کفایت و عقده ای وواژه اجتماعی و آنتهای که جنون و شرارت و مردم آزاری از وجناتشان می بارد، در پستهای حساس و کلیدی، راه هرگونه پیشرفت را بر جوانان صادق و علاقمند به کار و کشور می بندند. چنین عناصری از چهره آرام و شاد بعضی ها کینه بدل می گیرند. به یک کارمند ناشی و خرافاتی با سابقه کار کم، مقامهای مسئولیت، "مدیریت" و "یا ریاست" می دهند، در حالی که کارمندان مومن به هدفهای انقلاب، متخصص و تحصیل کرده، با ۱۸، ۱۹ سال سابقه خدمت منزوی می شوند و محکوم هستند که زیر دست چنین عناصر نالایق کار کنند. در یکی از ادارات کارمندی را که از مسافرت چند روزه خارج بر می گشته، به جرم داشتن دو حلقه نوار (احتمالاً قسه و چوک و داستان) هنگام ورود به فرودگاه مهر آباد دستگیر کرده اند و حدود ۶ ماه است که از او خبری نیست، گویا در زندان اوین است. وضع زن و بچه او را محسوم کنید. همان روزهای اول دستگیری حکم اخراجش را صادر کرده اند، در حالیکه یکی دو ماه مانده بود که باز نشسته شود. شخص دیگری را که پاک بودن و درست بودنش بر کسی پوشیده نیست، فقط و فقط بخاطر آن که به مردم رنج دیده عشق می ورزید و با خلوص نیت در خدمت آنها بود، دستگیر کردند و بعد از مدتها شکنجه، با قید ضمانت آزاد کردند. اما او که با هیچ گروه سازمانی در ارتباط نبود نتوانست به سر کارش باز گردد. حکم اخراجش را نوشته بودند. امروزه چنانچه کارمندی کاری خلاف سلیقه و میل مسئولان مربوطه انجام دهد، اگر شانس بیاورد و اخراجش نکنند، حداقل پلائی به سرش می آورند که کم از اخراج نیست. روحیه کارمندان خراب است و مثل باروت با کوچکترین جرقه ای آتش می گیرند. (قسمتهائی از یک نامه رسیده)

در کارخانه ایران ناسیونال

در "ایران ناسیونال" تبلیغ می شود، چنانچه کارگران به جبهه بروند به آنها ۸۰ ساعت اضافه کاری و مزایا داده می شود. اما روز به روز از تعداد متقاضیانی که برای جبران کمبود درآمد به جبهه می روند، کاسته می شود.

بیاموزیم - افشاکنیم  
سازمان دهیم

## سخنرانی رفیق علی خاوری...

پروولتری را افراشته نگاه می داشت و بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی قهرمانانه مبارزه می کرد و...

با وجود آرزوی خام جلادان رژیم جمهوری اسلامی، حزب توده ایران به پیکار ناپراهرش ادامه می دهد.

حزب اخیراً در ماه مه سال جاری پس از ۲۸ سال، کنفرانس ملی خود را برگزار کرد. کنفرانس برنامه حزب را تصویب و وظائف حزب را در جنبش انقلابی میهن ما تعیین کرد. رفقای گرامی!

اجازه بدهید پاریدگر حادثه مهم و تاریخی برگزاری کنگره دهم حزب شما را، شما و مردم لهستان تهریک بگویم و برای کمونیست ها و توده های زحمتکش لهستان انجام موفقیت آمیز مصوبات آن را آرزو کنم.

زنده باد دوستی بین خلق های ایران و لهستان! مستحکم باد دوستی و همبستگی حزب توده ایران و حزب متحد واحد سوسیالیست لهستان! زنده باد انترناسیونالیسم پروولتری!

✽ در شماره قبلی (۱۱۰) متن پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره دهم کمونیست های لهستان اشتهاها با عنوان "سخنرانی رفیق علی خاوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران" چاپ شده است. با یوزش از خوانندگان عزیز "نامه مردم" بدینوسیله تصحیح می شود.

نیست، جز از طریق اتحاد عمل طبقات و اقشار خلقی و دمکراتیکی که امروز نمایندگان شان به لحاظ مخالفت با هیات حاکمه در یک شکنجه گاه، با یک شلاق و پدست یک دژخیم زجرکش می شوند.

به همین منظور حزب ما از همه سازمانها، گروهها و نیروهای ترقیخواه، دمکرات و انقلابی دعوت می کند که با الهام از جبهه متحد عملا موجودی که اکنون در سیاهچالهای مخوف ج.ا. تشکیل شده است، در کمیته ای مشترک برای هدایت پیکاری موثر در راه نجات زندانیان سیاسی متشکل شوند.

این کمیته می تواند از طریق سازماندهی مبارزات خانواده های زندانیان سیاسی، براه انداختن کارزاری برای تهیه لوحی از نام همه مبارزان در بند، انقلابیون مفقودالاثرت، تیرباران شدگان و افرادی که در زیر شکنجه به شهادت رسیده اند (جهت ارائه به محافل ترقی خواه و ذیصلاح بین المللی) و همچنین تشکیل دادگاهی با شرکت حقوقدانان بین المللی در خارج از کشور (به منظور محاکمه رژیم جنایت پیشه ج.ا. کام های بلندی در راستای افشای هیات حاکمه در پراپر افکار عمومی ایران و جهان و منزوی تر ساختن آن بردارد.

باید این درس گرانهای انقلاب بهمین راه همواره پیاد داشت که تنها مشمت توده های متحد می تواند دیوارهای ضخیم زندانها را درهم بکوبد و فرزندان صدیق خلق را از کام مرگبار سیاهچالها برهاند.

## بانبروی اتحاد، به نجات زندانیان...

را از اسلاف سلطنت خود رها کرده اند.

امروز در وطن ما زندانی سیاسی آن ایرانی میهن دوستی است که نمی تواند شاهد سوختن تدریجی کشور در شعله های جنگ و پریر شدن جوانان ما در جبهه ها باشد، آن ایرانی میهن پرستی است که بچرم شرکت در تظاهرات ضدجنگ کوی ۱۲ آبان تهران و دیگر شهرهای کشور و سردمداران صلح به زندان افکنده شده است.

زندان سیاسی، آن هموطن آزاده ای است که قید و بند سانسور رژیم را بر نمی تابد و در راه محو سایه سنگین خفقان از جامعه می رزند.

زندان سیاسی، آن کارگر حق طلبی است که بخاطر دعوت کارگران به اتحاد و ایجاد تشکلهای مستقل و بخاطر فعال بودن در مبارزه برای نیل به خواسته های صنفی و سیاسی، در کنج سیاهچالها پسر می برد.

زندان سیاسی، آن دهقان محرومی است که در روستا با جنگ و دندان در مقابل خانها و فئودالهای بازگشته به مبارزه برمی خیزد و از اینرو روانه سیاهچال می شود، آن روستایی مهاجری است که در حاشیه شهرهای بزرگ، در پراپر ماموران خانه خراب کن رژیم تا پای جان از حق خود دفاع می کند و به همین سبب به زندان می افتد.

زندان سیاسی، آن پرسنل میهن دوست نیروهای مسلح است که بخاطر عدم تمکین از آتش گشودن پروی تظاهرات حق طلبانه مردم و خلقهای کشور، عدم شرکت در جبهه های جنگ ایران سوز و گردن نهادن به اطاعت کورکورانه نظامی، دستگیر و راهی سیاهچال می گردد.

زندان سیاسی، آن زحمتکش آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب است که بخاطر به کف آوردن خودمختاری در چارچوب ایرانی آزاد و دمکراتیک در پیکاری بی امان با رژیم خمینی دستگیر و روانه سیاهچالها شده است.

زندان سیاسی، آن روشنفکر و دانشجو، آن هموطن ارمنی، آسوری، زرتشتی و یهودی است که پانگ اعتراض خود را علیه تفسیقات اجتماعی و فرهنگی هیات حاکمه بلند کرده و به گناه اینکه نمی خواهد موبید سیاستهای قرون وسطایی رژیم باشد، در کنج سیاهچالها پسر می برد.

زندان سیاسی، آن زن زجر دیده ای است که خواهان برابری حقوق با مردان در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و لغو تحمیلاتی چون قانون قصاص و حجاب اجباری است و به همین علت در جنگال دژخیمان رژیم اسپر شده و روانه "اردوگاههای بازپرسی" می گردد.

و بالاخره در یک کلام زندانی سیاسی همه زحمتکشان آزادیخواه، استقلال طلب و عدالتجوی کشور ما هستند و زندانبان آنان رژیم "ولایت فقیه".

باتوجه به این واقعیت است که ما معتقدیم گسستن زنجیرهای اسارت زندانیان سیاسی میسر

## کنفرانس سازمان همبستگی مردم آسیا و آفریقا

## شرکت کنندگان در کنفرانس خواستار آزادی زندانیان سیاسی کشور ما و پایان جنگ ایران و عراق شدند

سازنده اتحادشوری و دیگر کشورهای سوسیالیستی دایر بر توقف تولید و ناپودی تدریجی تمام سلاح های اتمی و شیمیائی، محکوم کردند. کنفرانس همچنین از تلاش های سازنده کشورهای سوسیالیستی در این زمینه تقدیر به عمل آورد. کنفرانس طی ۱۱ قطعنامه عمده، مسائل گرمی جهان امروز را برشمرد و راه حل های دموکراتیک و صلح چوبانه ای پیشنهاد کرد. در قطعنامه راجع به خاورمیانه از جمله چنین آمده است:

کنفرانس نگرانی عمیق خود را از حضور فزاینده نظامی (امپریالیسم) در خاورمیانه، دریای مدیترانه و خلیج فارس از طریق افزایش ظرفیت نیروهای واکنش سریع، تشکیل فرماندهی مرکزی دائمی برای آن، در اختیار گرفتن، پایگاه های نظامی و امکان های مختلف، جهت دهی امنیت نظامی منطقه با هدف های استراتژیک آمریکا و ارسال بیشتر سلاح های پیشرفته و همچنین سازماندهی مانورهای نظامی با بعضی کشورهای عرب که از سیاست آمریکا پیروی می کنند، اعلام می دارد. مساله نگرانی آور این است که ایجاد تنش و تهدید مردم منطقه از طرف امپریالیسم آمریکا، استقلال و حاکمیت ملی آنها را به خطر می اندازد.

کنفرانس، امپریالیسم آمریکا و متحدانش را به دلیل دستاویز قراردادن جنگ ایران و عراق برای تحقق افزایش حضور نظامی خود، دخالت نظامی برای اشغال کشورهای نفت خیز و زیر سلطه درآوردن مجدد مناطق آزاد شده، محکوم می کند.

کنفرانس خواستار توقف جنگ بیهوده بین ایران و عراق است. این جنگ نیروهای هردو طرف را از بین می برد و به منطقه لطمه بزرگی وارد می آورد. کنفرانس معتقد است که ادامه این جنگ فقط در خدمت منافع امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه است. به همین جهت کنفرانس از (هر) قدم و برنامه ای که با هدف یافتن راه حل عادلانه و صلح آمیز این مساله باشد، پشتیبانی می کند.



کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!

کمکهای مالی رسیده:

۲۰۰ م. کرون

به یاد رفیق شهید جواد مهوری ۲۰۰۰ کرون  
به یاد رفقا شلتوکی و کی منش ۲۰۰۰ کرون

NAMEH  
MARDOM

No: 111

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

17 July 1986

نشست سازمان همبستگی مردم آسیا و آفریقا در مورد زندانیان سیاسی ایران، ما را نگران کرده است. ما امضاء کنندگان زیر از مقامات ایران می خواهیم که در زندان های ایران به خشونت با زندانیان سیاسی در تمام اشکال اعدام، شکنجه و حبس های طولی مدت پایان دهد."

در جنب کنفرانس ملاقات های متعددی از جانب کمیته همبستگی ایران با هیئت های نمایندگی کشورهای مختلف صورت گرفت و موضع گیری های در قبال مسائل روز ایران، جنگ

در چهاردهمین نشست مشورتی سازمان همبستگی مردم آسیا و آفریقا از ۱۴ تا ۱۷ ماه مه، تعداد ۸۶ کشور و ۲۴ سازمان بین المللی، از جمله کمیته همبستگی ایران شرکت داشتند. شرکت کنندگان، در سخنرانی های خود سیاست جنگ افروزان امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند و پشتیبانی خود را از پیشنهادهای صلح رهبر شوروی اعلام داشتند. آنها همچنین خواستار ممانعت از امپریالیسم در ایجاد مناطق متشنج شدند. مجموعه این موضعگیری ها، از جمله در زمینه



ایران و عراق و مسائل مهتلا به جهان از جمله ضرورت صلح و رفع تشنج از کانون های خطر، مورد توجه و تاکید قرار گرفت. همچنین چندین مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی با نماینده کمیته همبستگی ایران در زمینه های یاد شده انجام شد. در چهاردهمین نشست مشورتی سازمان همبستگی مردم آفریقا - آسیا، مسائل جهان و خطوط عمده راه حل های دموکراتیک برای رهائی ملی به تفصیل مورد توجه قرار گرفت. شرکت کنندگان تشنج آفرینی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را در همه زمینه ها از جمله مداخله در امور داخلی کشورها، ایجاد کانون های بحران، تهدید و مداخله نظامی و تشدید مسابقه تسلیحاتی علیرغم پیشنهادات

محکوم کردن ادامه جنگ ایران و عراق، در قطعنامه های پایانی کنفرانس بطرز بارزی انعکاس یافت.

سخنرانی نماینده کمیته همبستگی ایران، هم در کمیسیون خاورمیانه و هم در نشست عمومی مورد توجه شرکت کنندگان قرار گرفت. اوضاع ایران، جنگ، پایمال کردن حقوق مردم و مسائل ایران توسط نماینده کمیته بطرز مهسوطی تشریح گردید، سخنرانی وی تکثیر شد و در اختیار شرکت کنندگان و مطبوعات قرار گرفت. در رابطه با زندانیان سیاسی کشورمان ۸۲ تن از شرکت کنندگان متنی را بشرح زیر امضاء کردند: "اطلاعات داده شده توسط نماینده کمیته همبستگی ایران به شرکت کنندگان چهاردهمین

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است